

وضعیت حقوقی زنان افغان در سال ۲۰۰۵

هر گاه موجودی را در زیر کوله باری از هزاران درد هستی، منجمد و بی روح و دردمند از حوادث زمان و منزوی از جهان تمدن و فاقد آزادی های بشری، می یابید، این زن افغان است! (شکریره بارکزی)

در افغانستان زن از تفکر مردسالاری که بر جامعه حاکم است، رنج می برد. ذهنیت بر تربودن و برحق بودن مرد یک اصل غیر قابل تغییر در جامعه است. آنچه بنام غیرت افغانی به مباحثات گرفته می شود، خرد کردن عواطف و احساسات زن است. در کشور چند قومی و چند زبانی ما، زن به لحاظ جسمی موجودی ضعیف و ناتوان به حساب می آید. اما واقعیات خلاف این ذهنیت را ثابت می کند. در دشتهای و صحراها و قلعه های مرتفع زنان بارهای سنگین ۵۰ و ۶۰ کیلوگرمی بردوش و برسر حمل می کنند و در نزدیک ساعات زایمان برای اطفال خودنمان می پزند. دختر فروشی به شکلی رفت باری در اکثر مناطق کشور رواج دارد. در اکثر مناطق هر گاه بین خانواده ها نزاعی در بگیرد که منجر به کشته شدن یکی از طرف ها بشود، دختر بچه های خانواده به بهای خون ریخته شده زیر نام «بد» به طرف مقابل داده می شوند.

گسترده بیسوادی، عدم دسترسی به ساده ترین و ابتدایی ترین تسهیلات زندگی، اقتصاد خراب و آگاهی نداشتن از حقوق انسانی همه و همه زن افغان را ناتوان ساخته است. اما این وضعیت همچنین باعث شده است زنان آماده مجادله و مبارزه شوند. در شهر های بزرگ زنان آگاه با حضور در مجالس رسمی، کنفرانس ها و امورات کاری دولتی و غیر دولتی توانسته اند به تغییر قضاوت مردان نسبت به زنان افغان کمک کنند. اما راه طولانی و دشواری در پیش است تا به حداقل حقوق نسبی دست یافته شود و فضای تفکر مرد سالاری تغییر یابد. (از مصاحبه رادیویی میرمن شکریره بارکزی)

شغل و سنت های خانواده گی:

زنان تحصیل کرده در شهرها در ادارات دولتی بدون تبعیض جذب کار میشوند، ولی نظر خانواده در انتخاب شغل ضروری است. در هر صورت آنچه زن از کارش به دست می آورد در نهایت مال مرد است. یعنی زن پس از روزها زحمت کشتی و یا ماه ها قالی بافی، پولی که عایدش می شود، به شوهر تعلق میگیرد و زن از لحاظ اقتصادی استقلال ندارد. زن از پول مهریه، که قبل و یا بعد از نکاح به او باید داده شود، خبری نیست. همچنانکه از میراث شوهر اثری نیست. در صورت مرگ شوهر، زن خود جزو میراث مردان خانواده شوهر است و فرزند دختر هم از مال پدر سهمی نمی برد. قبل از ازدواج کسی رأی دخترش را نمی پرسد و ازدواج اجباری حتی در بین تحصیل کرده های افغان رایج است. اگر زنی فرزند پسر نداشته باشد، شوهر می تواند زن دیگری اختیار کند و داشتن فرزند دختر، به خصوص اگر تعداد آنها زیاد باشد، مصیبت تلقی میشود.



پس از سقوط رژیم بنیادگرای طالبان هنوز بسیاری از زنان - حتی در شهرهای بزرگی مانند کابل - برقع می پوشند

قوانین در ارتباط با چند همسری، طلاق، حضانت فرزندان و ارث کاملاً در گرو مسایل شرعی است. مبنای تساوی حقوق، که در قانون اساسی افغانستان آمده، مجزا از مسایل فوق است. اما آنچه زن را بسیار رنج می دهد این

موضوع است که حتی قوانین اسلامی در رابطه با حقوق زن اجرا نمی شود و در بسیاری موارد زن در حکم یک موجود بی جان یا شی تلقی شود.

آموزش و تحصیل:

دختران و زنان افغان، آن هم درصد کمی فقط در شهرهای بزرگ افغانستان به آموزش عالی دسترسی دارند. ولی در اکثر نقاط افغانستان ذهنیت در رابطه با تعلیم زنان و دختران بر آن است که دختران کم سن به مکتب بروند و وقتی بزرگ شدند باید از به مکتب رفتن شان خانواده ها جلوگیری کنند. سیسیلیا لودزه مسنول صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد با اشاره به وضعیت آموزش و پرورش در افغانستان میگوید: تنها ده درصد دختران در این کشور به آموزش های ابتدایی دسترسی دارند. او می افزاید: "از هر سه دختر پنج ساله در افغانستان تنها به یک نفر امکانات رفتن به مکتب میسر است." خانم لودزه ازدواج های زود هنگام را از عمده ترین عوامل نرفتن دختران به مکتب عنوان کرد. او گفت که چهل درصد دختران زیر سن هجده سال در افغانستان مجبور به ازدواج می شوند که این امر مانع رشد اجتماعی آنان شده است. یونیسف در این زمینه، یکی از دلایل کاهش طول عمر زنان در افغانستان را نیز ازدواج های زیر سن هجده سال اعلام کرده است. (bbc - 5 اگست 2005)

هنگامه انوری، عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید: چهل و پنج درصد از ۵۰۰ مورد ازدواج اجباری که این کمیسیون ارزیابی کرده است را ازدواج کودکان زیر سن ۱۴ سال تشکیل می دهد. خانم انوری میگوید: **"با تاسف عمیق اعلام می کنم که کودکان در سنین ۵ تا ۶ سال نیز در افغانستان به ازدواجهای اجباری کشانده میشوند و از آنان به گونه های مختلف بهره برداری می شود."**

مرگ و میر کودکان و مادران

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، بررسیهایی را در مورد مرگ و میر مادران و کودکان در افغانستان انجام داده است. سیسیلیا لودزه مسنول صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در امور آسیای جنوبی که اخیراً از مناطق مختلف افغانستان بازدید کرد، وضعیت زندگی زنان در این کشور را "بحرانی" توصیف کرده است. خانم لودزه، پس از یک هفته تحقیق و بررسی در ولایات مختلف افغانستان به خبرنگاران در کابل گفت که شرایط زندگی در افغانستان در حال بهبود است، اما زنان هنوز هم با انواع مشکلات روبرو هستند. خانم لودزه گفت که بر اساس بررسی های صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد مرگ و میر کودکان نوزاد و کمتر از پنج سال در افغانستان آمار بلندی را نشان می دهد که در این میان کودکان دختر بیشتر آسیب پذیرند. وی گفت: در افغانستان از هر هفت کودک زیر سن یک سال یک کودک در اثر بیماری های مختلف تلف می شود. ازدواج زود هنگام دختران، عدم دسترسی آنان به آموزش و پرورش و آمار بالای مرگ و میر مادران و کودکان در افغانستان، همچنان از نگرانیهای عمده در این کشور به شمار می رود.

اما سیسیلیا لودزه، از تلاش های سازمان ملل متحد در زمینه بهبود وضع زندگی زنان افغان سخن زده ابراز امیدواری کرد که توجه جهان به این موضوع بیش از اکنون جلب شود. (bbc - جمعه 05 اوت 2005)

آزادی های مدنی:

آزادی زن افغان بر اساس سنت ها، بحرانهای پی در پی و فرهنگ مرسوم این کشور کاملاً محدود است. حجاب یک امر قانونی نیست، بلکه برای رفع خشونت یک ضرورت فردی برای زن است. پوشش چادری یا برقع را هر زن با در نظر داشت رسوم محلی، رعایت می کند. برای هر زن در هر موقعیتی که باشد گرفتن اجازه از شوهر برای بیرون آمدن از منزل امری حتمی است. در حال حاضر در اکثر نقاط افغانستان زنان در رسانه های همگانی حضور دارند. رادیو های محلی نیز برنامه هایی ویژه را در ارتباط با حقوق زن پخش می کنند. در افغانستان همچنین نشریه های ویژه زنان چاپ می شود.

آنچه که زنان را ملول کرده است سنتی بودن جامعه افغان و مرد سالاری بودن آن است. آنچه زنان افغان در شهرها به دست آورده اند، نقش سیاسی است. طبق قانون اساسی افغانستان و بر مبنای تساوی حقوق زن با مرد، آنها می توانند در پست ریاست دولت، نماینده پارلمان، قوه قضائیه و در هیئت دولت جای گیرند. رای زنان در انتخابات تعیین کننده محسوب می شود. البته تا حال موضوع زن و مشارکت وی در مسایل سیاسی افغانستان یک امر نمایشی

تلقی شده است. چون او که از حق انتخاب شوهر محروم است، چگونه اجازه دارد زعیم آینده اش را انتخاب کند؟
(bbc چهارشنبه 13 ژوئیه 2005)

خشونت علیه زنان:

هر ۱۸ ثانیه یک زن قربانی خشونت خانوادگی می شود:

نتایج تحقیقات بین المللی درباره خشونت خانوادگی علیه زنان نشان می دهد که یک ششم زنان به دست شوهر یا شریک زندگی خود قربانی خشونت شده اند. سازمان صحت جهانی در اولین مطالعه جهانی خود درباره این موضوع نتیجه گرفته است که در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می گیرد و حتی باردار بودن چندان زنان را از خشونت مردان مصون نگه نمی دارد. محققان دریافته اند که از شکستن استخوان گرفته تا تجاوز، خشونت خانوادگی در همه جوامع غنی و فقیر به چشم می خورد و حتی بسیاری از زنان فکر می کنند مردان در شرایطی خاص حق اعمال خشونت دارند. همچنین بسیاری می پندارند درست نیست که علنا بگویند قربانی آزار مردان شده اند. کاترین دیویس، خبرنگار بی بی سی می گوید که این تحقیق نشان می دهد زنان در خانه بیشتر در معرض خشونت قرار می گیرند تا به دست افراد غریبه در بیرون از خانه. این سازمان اظهار کرده است که این معضل جهانیست، ریشه دار و عمدتاً در تمام جوامع پنهان است. سازمان بهداشت جهانی می گوید که اثرات خشونت خانوادگی بر سلامت زنان، صرفنظر از محل سکونتشان، قابل توجه است. این مطالعه طی هفت سال صورت گرفته و ۲۴ هزار زن از آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای لاتین در آن شرکت داشته اند. این تحقیق قبلاً در آمریکای شمالی صورت گرفته بود. سازمان بهداشت جهانی خواستار اقدام فوری علیه خشونت خانوادگی شده است.

خشونت علیه زنان در جنوب افغانستان

بگزارش رادیو صدای آلمان، خشونت در برابر زنان، ازدواجهای اجباری، فروش دختران، کشتن زنان به بهانه حفظ شرافت خانواده و مبادله زنان به عنوان ابزاری برای فرونشاندن مشاجرات قبیله ای، این ها همه نمونه هایی است از شرایط اسفناک زنان در افغانستان. داستان مصیبت های زنان افغان، داستانی کهن و ریشه دار است. به خصوص در جنوب کشور، آنجا که در کنار قوانین اسلامی، قوانین قرون وسطایی هم حاکمند و حتی طبیعی ترین حقوق زنان هم نادیده گرفته می شود. وبه راستی آیا به کار بردن اصطلاحاتی از قبیل حقوق زنان در جایی که موجودیت زن به خودی خود ارزشی ندارد و زن فاقد هر گونه حقی است، ساده انگاری محض نیست؟

چند وقتی است که شعله های این نابرابری که ریشه در قرنهای دور دارد، از جان زنان افغانی زبانه کشیده است. زنان افغانی به نشانه اعتراض به هر چه که به اسم سنت و دین بر آنان روا گشته، پیکر خویش را به آتش می کشند. شاید که این اقدام منجر به بیداری جوامع مدافع حقوق بشر شود و دختر بچه های افغانی را از سر نوشت سوزناکی که این نظام مرد سالارانه برای آنها رقم زده برهاند.

عقیفه معروف، یکی از اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، از بیمارستانی در قندهار دیدار کرده و از زبانی حرف می زند که برای پایان رنج هایشان به خود سوزی دست میزنند. او آمار این خود سوزی ها را ۶۰ نفر در سال تخمین می زند. عقیفه معروف میگوید: " شفاخانه میرویس در شهر قندهار در هر هفته دست کم 4 قضیه خودکشی دختران و زنان را دارد". متأسفانه دست قانون از سنت های حاکم بر جامعه کوتاه است و تا حال هیچ قربانی خشونت نتوانسته است از مجرای قانون مشکلش را حل کند. بسیاری از مردان با توسل به خشونت می خواهند برتری خود را بر زنان ابراز کنند و این در حقیقت برای آنها یک نوع افتخار است.

عقیفه معروف در جواب این سوال که قربانی ها چه کسانی هستند میگوید: به طور کلی ازدواجهای اجباری و شوهر دادن دخترانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند از دلایل این خودسوزی هاست. اما در اصل ساختار ریشه دار مرد سالارانه جامعه که در آن زن به حساب نمی آید و این که زنان در جامعه مقام و منزلتی مانند مردها ندارند و به مردها اجازه می دهد که زنان را زیر فشار قرار دهند، دلیل اصلی این خود سوزی هاست.

این زن فعال در مسائل حقوق بشر، امیدی به بهبودی اوضاع ندارد. با توجه به این مسئله که اوضاع امنیتی در افغانستان به شدت متزلزل است و طالبان دوباره فعال شده اند، مسلماً موضوع حقوق بشر و رسیدگی به وضعیت نابسامان زنان در افغانستان به فراموشی سپرده خواهد شد. به عقیده عقیفه معروف بر هم زدن نظامی که ریشه در قرون و اعصار دارد احتیاج به زمان دارد و او تنها راه حل را در آموزش و بیداری اقدار جامعه میبیند. به همین دلیل این سازمان بر آن است که با برگزاری سمینار و کارگاههایی آموزشی گامی در روشننگری این جامعه بنیاد گرا بردارد. در سطح بین المللی هم شورای امنیت سازمان ملل در صدد است تا با اعزام گروههای پاسدار صلح به مناطقی که در آن ها حقوق زنان به شدت پایمال می شود، به زنان ستم دیده افغانی یاری رساند.

باید منتظر بود و دید که آیا همکاری این نیروها تاثیری مثبت در مسئله زنان افغان خواهد داشت یا خیر؟ (دوچ ویله

11 اگست 2005)

خود سوزی آخرین راه نجات؟

ازدواج های اجباری، سلب حقوق انسانی زن، خشونت در خانواده ها، ازدواج های مکرر و بی توجهی بحق و حقوق زن در جامعه مردسالار افغانی همه عواملی اند که زندگی را برای زن افغان غیر قابل تحمل مینماید. وقتی راه دیگری برای نجات از این همه رسوم و عنعنات فرسوده و زشت باقی نماند، زنان دست به خودکشی و خود سوزی میزنند. یکی از مثال های بارز، شرایط ناهنجار زنان در شهر قندهار است. در این شهر که قوانین و عنعنات قومی و پدر سالاری در پهلوی قوانین اسلامی، زندگی روزمره باشندگان را تعیی مینماید، هنوز هم چهار سال بعد از سقوط طالبان نمیتوان از هیچگونه بهبود در وضع زنان در جامعه سخن گفت. در این شهر که قوانین و عنعنات قومی و پدرسالاری در پهلوی قوانین اسلامی، زندگی روزمره باشندگان را تعیین مینماید، هنوز هم بعد از سقوط طالبان زنان مانند بردگان زندگی می کنند و از هیچ اختیارات انسانی برخوردار نیستند. زنان بدون اجازه ی مرد نمیتواند از خانه بیرون شود و بدون اجازه مرد نمیتواند به کاردر بیرون از خانه بپردازد. البته زنان در افغانستان گذشته از شماری اندک شهرها در سراسر افغانستان حتی حق تعیین سرنوشتش را ندارند.

خشونت در برابر زنان، ازدواج های اجباری، فروش و قتل دختران و زنان و تبادل زنان ویا به بد دادن زنان برای حل دشمنی های قومی تنها مثال های کمی از ستم و جفا بالای زن در جامعه افغانستان است که باعث سلب حقوق اولیه و انسانی زنان گردیده است.

شکیلا سمیردانشجوی پوهنتون کابل به این باور است که ازدواج های اجباری خاصاً ازدواج های اجباری دختران که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، باعث گردیده است که تعداد زیادی از آنها دست به خودکشی بزنند و این راه را یگانه راه نجات تلقی نمایند.

و اما در غرب کشور وضعیت زنان از چه قرار است؟

وضعیت زنان در هرات بدتر از سایر شهرهای کشور گزارش میشود. طی سه ماه اخیر (۲۰۰۵) در ولایت هرات، ۳۵ تن که اکثر شان را زنان تشکیل میدهند به اثر خودسوزی، هلاک شده اند. داکتر همایون عزیز، مسوول بخش سوختگی شفاخانه هرات، به آژانس خبری پژواک گفت: در این مدت، ۱۲۵ واقعه خودسوزی صورت گرفته است که ۳۵ آن قصدی به شمول ۳۱ زن و ۴ مرد بوده اند که همه جان داده اند.

وی افزود: «در سه ماه اخیر، ما ۳۵ نفر خود سوزی داشتیم که همه فوت کرده اند.» موصوف سن این زنان را بین ۱۵ الی ۳۵ سال، ذکر کرده افزود که سوختگی این زنان، اکثر به واسطه تیل صورت گرفته و ساحه سوختگی از ۷۵ فیصد به بالا بوده است. عزیز، این رقم را نمایانگر ازدیاد گراف خود سوزی در بین زنان در هرات، خوانده و علاوه کرد که در سال گذشته فقط ۹۰ نفر، دست به خودسوزی زده بودند.

خودسوزی یکی از مشکلات حاد در ولایت هرات بوده که داکتران اختلافات خانواده گی، مثل اختلافات بین خشو و عروس، نزاع بین زن و شوهر و از همه مهمتر ازدواجهای اجباری را عوامل این خود سوزی ها میدانند.

ثریا دقیقی، مسوول بخش حقوق زن کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، علت صعود گراف خود سوزی زنان را، در سه ماه گذشته برگشت وسیع مهاجرین، از کشور ایران دانسته و میگوید: «چون خودسوزی در بین زنان در ایران رواج دارد مهاجرین ما نیز تقلید می نمایند.» آخرین واقعه خودسوزی، زن سی ساله بنام زهرا است که به واسطه تیل اریکین، دست به خود سوزی زده و به گفته داکتر مسوولش پنجاه فیصد سوخته است.

زهرا، باشنده شهر هرات که در سر، صورت و وجودش داغهای سوختگی وخیم مشاهده میشد، گفت که شوهرش با زن دیگری نیز ازدواج نموده و بر سر وی (امباق) آورده است و او این حالت را تحمل نه کرده و دست به خودسوزی زده است. زهرا، می افزاید: «شوهرم مرا با ۴ طفلم، رها کرده زن جوان گرفته و به من هیچ اهمیت نمی داد.»

داکتر مسوول، وضع صحی او را رضایت بخش نه دانسته و میگوید که زهرا، از ناحیه صورت تا شکم به شدت سوخته است.

به گفته مسوول بخش سوختگی، روزانه به طور اوسط یک مریض خودسوزی به بخش سوختگی، آورده میشود و گاهی اتفاق می افتد که بستر برای بستری کردن مریض جدید، وجود نمی داشته باشد. او میگوید که بخش سوختگی شفاخانه حوزوی هرات، دارای هجده بستر می باشد که هشت بستر آن، برای مردان و متباقی برای زنان اختصاص داده شده است، فعلاً ۱۶ نفر در بخش سوختگی بستری اند که هفت نفر آنان زن میباشند. این ارقام در حالی انعکاس داده شده است که کار اعمار شفاخانه مدرن و مجهز سوختگی در ولایت هرات، به ارزش هفتصد هزار دلار امریکایی، بخاطر کاهش تلفات ناشی از خود سوزی و سوختگی در ظرف یکماه آینده، آغاز خواهد شد.

وضعیت زنان در شمال

به نوشته وبلاگ دید- داکتر جنید، ولسوال سابق ولسوالی چاه آب ولایت تخار، فریبا، ۱۳ ساله، را بعد از هفت روز لت و کوپ برای یکی از دوستانش نکاح می کند و می گوید که اینکار را طبق رضایت پدر فریبا و فیصله ریش سفیدان قریه انجام داده است. اما مادر ۶۰ ساله فریبا می گوید: "شوهرش او را سیزده سال قبل از خانه خارج کرده و وی که فریبای سه ماهه را در بطن داشت، به خانه پدرش رفت و در آنجا زنده گی مینمود" چند هفته پیش، وقتیکه از تصمیم

ولسوال با خبر می شود، همراه با فریبا و پسری که فریبا را دوست داشته و میخواست با او ازدواج کند، فرار کرده به مرکز طالبان می روند. اما با شکایت پدر فریبا، محکمه طالبان آنها را به زور پس به چاه آب می فرستد. وقتیکه دوباره به چاه آب می رسند، چنانکه فریبا به آژانس خبری پژواک گفته: « ولسوال چاه آب با عساکر خود و محمد کبیر در یک صف ایستاده میشدند و میگفتند که مجبور هستی یکی ما را به حیث شوهر قبول کنی ، ورنه زنده گی ات در خطر است». و بعد از هفت روز زندان و لت و کوب، فریبا خبر می شود که ولسوال او را به مرد ۳۸ ساله (کبیرنام) که ۸ اولاد دارد نکاح کرده است.

در ۲۹ می مردم ولسوالی چاه آب علیه قوماندان محمود چاه آبی که به یک دختر ۱۶ ساله تجاوز کرده بود تظاهرات کردند و محافظان او بروی مردم آتش کرده و تعدادی را کشته و زخمی نمود. ۱۲ جولای سارنوالی تخار اعلام کرد که قضیه ثابت شده که قوماندان محمود به خواهر زن ۱۶ ساله خود تجاوز کرده است. قربانی می گوید که همان روز علاوه بر او، قوماندان مذکور به چند دختر دیگر نیز تجاوز کرده است. (وبلاگ دید)

بخاطر کمک عاجل به زنان افغان :

خانم پروفیسور وریاکین ارتورک ضمن مسافرت ده روزه اش به افغانستان با مقامات دولتی ، مسنولان دستگاه قضایی، سارنوالی، افسران پلیس، دوکتوران و نمایندگان سازمانهای غیردولتی درکابل ، قندهار و هرات و همچنان نمایندگان چندین سازمان بین المللی ایکه در افغانستان فعالیت می نمایند مذاکره نموده است. وی گزارش میدهد که از چندین زندان و پناهگاه زنان بازدید نموده و اظهارات زناتی را که معروض به خشونتهای جنسی شده اند، ثبت نموده است. همچنان وی از پیشرفتهای حقوقی و قضایی ایکه اخیراً نصیب زنان افغانستان گردیده است تمجید نموده است اما وی افزوده است که : "این گامهایی به جلو نباید مانع بیان این حقیقت گردد که در افغانستان خشونت علیه زنان بطور دراماتیک و به شدت آن هم درگستره های عامه و هم خصوصی زندگی وجود دارد". فقر، فقدان آموزش و پرورش و خرابیهایی که در نتیجه ی دهها سال جنگ بود وجود آمده اند، اسباب اولیه چنین اوضاعی میباشد. گزارش علاوه می نماید که: گرچه بازسازی و انکشاف، توانمند شدن اقتصادی زنان و ارتقای آموزش و آگاهی آنان در درآمدت و میان مدت میتوانند، این انتظار را افزایش بدهند که سطح خشونت علیه زنان کاهش می یابد. اما اقداماتی باید اکنون اتخاذ گردند تا از زندگی زنان حمایت گردد. در ذیل یک سلسله اقداماتی پیشنهاد میگردد که به نظر میرسد در کوتاه مدت موثر باشند:

- اولویت قابل شدن به از میان بردن خشونت علیه زنان در سیاست عامه.
 - براه انداختن تبلیغات روشنگرانه در رسانه ها تا به مردم معلومات داده شود که ازدواجهای اجباری و ازدواجهای زنان در کودکی تخطی از اصول اساسی اسلام است.
 - در قانون جزا واضحاً آورده شود که آنایکه در سربراه ساختن ازدواج دختران در حالت کودکی دخالت دارند مرتکب جرم میگرددند و باید مورد بازخواست و مجازات قرار گیرند.
 - باید صریحاً به پلیس و سارنوالان دستور داده شود که آن دختران و زنانیکه از وضع خشونتبار خانوادگی فرار میکنند، تازمانیکه حفظ جان شان تضمین نباشد، نباید به خانواده های شان برگردانده شوند.
 - ایجاد ، توسعه و تقویت پناهگاه های محفوظ برای زنان معروض به خطر.
 - تقویت وزارت امور زنان، دفتر حقوق بشروزارت داخله، بویژه در بخش حقوق زنان ، تقویت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر نهادانیکه متکفل حراست از حقوق زنان میباشد.
 - جلب توجه کشورهای کمک دهنده به حمایت از حقوق بشرو حراست از زنان.
- به هر حال، سازمان های حقوق بشر به این باور رسیده اند که حل مشکل زنان افغانستان به هیچ صورت ممکن نخواهد بود مگر اینکه سطح دانش در این کشور بالا برود. اما بالا بردن سطح دانش در افغانستان خود امریست که با وجود مساعد بودن شرایط دست کم دو نسل دیگر دوام خواهد نمود.
- پایان / ۷ مارچ ۲۰۰۶